### اشاره

گفته شده که بنا بر امتناع، یک قول این است که باید جانب نهی مقدم باشد و وجوهی برای آن ذکرشده است که وجه اول از این وجوه بیان شد؛ و در مورد آن استدلال دو اشکال شد که از این دو، اشکال دوم مهم‌تر است. مبنی بر اینکه همین‌که درکلام، مقِّید لفظی متصل نباشد، انعقاد اطلاق به همین مقدار ممکن می‌شود و انعقاد اطلاق توقفی بر احراز عدم مقِّید منفصل ندارد.

#### تقریر دوم برای دلیل پیشین و رد اشکال دوم

ممکن است ادعا شود که ازاین‌جهت اشکال نمی‌کنیم که در این مورد، اطلاق منعقد نمی‌شود و این انعقاد اطلاق، در مقام مقتضی مشکل دارد، بلکه ادعا این است که درست است که انعقاد اطلاق، متوقف بر قید منفصل نیست و بدون آن‌هم منعقد می‌شود، ولی بین این دو دلیل امر و نهی، ظهورهای اقوی و غیر اقوی دارند و بنا بر قول به امتناع اجتماع امر و نهی، باید تنها یکی از این دو دلیل را در این مورد بیاوریم؛ ولی از طرفی آوردن تنها یک دلیل در اینجا متوقف بر این است که ظهور لفظ را بر ظهور دلیل لبی مقدم بداریم؛ یعنی بین شمول لا تغصب و شمول صلّ باید ظهور لاتغصب را مقدم کرد، چراکه ظهورش اقوی است.

اشکال:

صِرف وجود یک نوع قوت در یکی از دو طرف تعارض، برای ترجیح آن دلیل کافی نیست، بلکه این قوت باید به سطحی برسد که آن را مقدم و غالب بر دیگری کند. در تقابل میان ادله لفظی هم ممکن است این حالت پیش بیاید که در یکی از دو دلیل لفظی به نحوی یک‌جهت ترجیح داشته باشد، ولی همین مقدار از اقوائیت برای ترجیح دادن آن دلیل و طرح این ادعا که ارده جدیه مولا مبنی بر آن است، کافی نیست.

#### تقریر سوم برای مقدم داشتن جانب نهی در اجتماع امر و نهی

در این تقریر گفته می‌شود موضوع این نیست که در اینجا یک‌طرف بحث لفظ است و طرف دیگر دلیل لبی! بلکه در اینجا تقابل بین اطلاق شمولی و اطلاق بدلی مطرح است و اینکه از نظر عرفی، اطلاق شمولی و اطلاق بدلی متفاوت‌اند و یکی مقدم بر دیگری می‌شود.

بنابراین اگر کسی مدعی شود که در هر دو طرف امر و نهی هم اطلاق لفظی مطرح است و یا اینکه یک‌طرف دلیل لفظی و طرف دیگر دلیل لبی است، هیچ‌یک از این‌ها اهمیت ندارد؛ بلکه بنا بر این تقریر مهم این است که تفاوت ماهوی بین اطلاق شمولی و اطلاق بدلی وجود دارد و آن تفاوت ماهوی این است که این اطلاق شمولی با عنایت، تمام افراد را شامل می‌شود، ولی در اطلاق بدلی، فقط یکی از همه مصادیق آن مطلق، مطلوب است و ما ازآنجاکه می‌دانیم هیچ‌یک از مصادیق مطلق برای مولا با دیگری تفاوت ندارد و همه بالسویه مطلوب‌اند، به همین دلیل، شمول و اطلاقی بدلی پیدا می‌کند.

با توجه به این توضیحات، حال اگر در اطلاق بدلی، توجه شود که در موارد خاصی از این مصادیق، دلیل خاصی برای عدم جریان حکم داریم در این صورت، عرف حکم می‌کند که در آن مصادیق خاص، شمول و اطلاق دلیل بدلی را مساوی با دیگر مصادیق ندانید و افراد بدون مزاحم را ترجیح دهید. به‌خصوص اگر تقریر دو و سه باهم جمع شوند و درنهایت با جمع این دو توجیه، وزن دلیل لفظی را از دلیل لبی قویی‌تر بدانیم و در تقریر دوم وزن شمولی قویی‌تر از بدلی شود، در این صورت دلیل اول وجهی برای قبول پیدا می‌کند.

#### جمع‌بندی تقریرهای طرح‌شده برای دلیل اول:

برای ادعای تقدیم جانب نهی بر جانب امر در موارد اجتماع امر و نهی بنا بر قول به امتناع، چهار تقریر مطرح است:

1. اطلاق برای لفظ در مقابل عموم منعقد نمی‌شود.

2. اطلاق برای لفظ در مقابل عموم، منعقد می‌شود، ولی عموم مدلول لفظی بر اطلاق مدلول دلیل لبی، مقدم است.

3. مدلول اطلاق شمولی در برابر مدلول اطلاق بدلی قویی‌تر است و مقدم بر آن است.

4. تک‌تک وجوه 2 و 3 به‌تنهایی برای اثبات مدعا کافی نیست ولی جمع این دو کافی است به این بیان که اگر دو مدلول تعارض کنند که اطلاق یکی از این دو دلیل، لفظی و شمولی باشد و اطلاق دیگری بدلی و با مقدمات حکمت باشد؛ دلیل اول بر دلیل دوم مقدم می‌شود.

البته باید توجه داشت که این تصویر مطرح‌شده همه‌جایی نیست بلکه در برخی موارد اجتماع امر و نهی که این حالت هست بازهم در آن مورد، این قاعده امکان جریان ندارد و چنین نیست که همیشه نهی بر امر مقدم شود، بلکه در مواردی مثل امر به معروف و نهی از منکر این حالت ممکن نیست و بسته به اهمیت ملاک هر یک از دو دلیل و خطاب امر و نهی است، اما به هر حال نهی بودن یک دلیل و لفظی بودن آن و شمولش اگر باهم بر یک دلیل جمع شوند؛ این مقدم است بر آن دلیلی که حتی یکی از این‌ها را ندارد.

اگر یک نهی‌ای وضع شود و این نهی، عموم لفظی داشته باشد، چنین نهی‌ای بر امری که عام نیست یا اینکه عام است، ولی عمومیتش لفظی نیست مقدم می‌شود.

لذا مهم‌ترین ملاک برای ادعای مقدم شدن نهی بر امر، همان ملاک سوم است، ولی برای اطمینان بیشتر برای قول مختار، دو وجه دیگر را هم به کمک طلبیدیم. یک‌طرف می‌گوید که همه را ترک کن، ولی یک‌طرف می‌گوید که یکی از این‌همه را بیاور! در این حالت تمسک به نهی از اتیان همه مصادیق، از طرف مقابل که مبنی بر اتیان به یکی از همه مصادیق است، اقوی است.